

### رویکرد روان شاختی - اجتماعی تحولات ارتباط بین نسل ها، گامی در جهت توسعه روان شناسی مثبت

راضیه محمدی

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، آشتیان، ایران

drm.researches@gmail.com

#### چکیده

ارتباطات به قدمت خود زندگی است. از لحظه ای که یک زندگی جدید شروع می شود، ارتباط این زندگی جدید با محیط نزدیک آن آغاز می شود. ارتباط مناسب در موفقیت افراد در محل کار و اجتماع بسیار مؤثر است. توان برقراری ارتباط مؤثر، غالباً میزان شایستگی و احتمال موفقیت فرد را تعیین می کند. عموماً افراد در یک بازه زمانی، بر اساس محیطی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده اند، شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان شناختی، دارای ویژگی های رفتاری نسبی مشابهی هستند. برای تعریف افراد و ویژگی های آن ها، اصطلاح «نسل» مطرح شده است. در این مقاله ویژگی های پنج نسل خاموش یا سنتی، بومرها، نسل X، نسل هزاره ها یا نسل Y و نسل Z مورد بحث قرار گرفته است. این نسل ها در تعامل با یکدیگر زندگی می کنند و هر کدام ویژگی های روان شناختی و اجتماعی خاص خود را دارند. ویژگی های هر نسل با نسل های بعدی تفاوت های چشمگیری را نشان می دهد. برای ایجاد پل ارتباطی بین نسل ها و ایجاد انگیزه برای ارتباط مثبت تر، نسل های قبلی باید نسل های جدید را فرصتی برای یادگیری بدانند نه به عنوان یک تهدید. نسل های مختلف باید سعی کنند یکدیگر را به عنوان افراد منحصر به فرد ببینند و با وجود تفاوت هایشان، با احترام با یکدیگر رفتار کنند. در این مقاله فرا تحلیلی، علاوه بر تبیین تفاوت ویژگی های نسل های پنجگانه و دیدگاه های آنان، به برخی راهکارها و ملاحظات برای ارتباط نسل ها به شیوه ای مثبت نگر پرداخته شده است.

**کلید واژه:** ارتباطات بین نسل ها، تحولات نسلی، روان شناسی مثبت، توسعه

#### ۱- مقدمه

عمل برقراری ارتباط جدید نیست، انسان ها از دوران غارنشینان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده اند. در مقوله ارتباطات همواره افرادی هستند که ایده ها، نظرها یا اطلاعات خود را به اشتراک می گذارند. در واقع، این نحوه برقراری ارتباط بین فردی افراد است که با گذشت زمان تغییر کرده است. مردم در گذشته به صورت رودررو یا با نوشتن نامه ارتباط برقرار می کردند. در عصر دیجیتال پر سرعتی که در آن زندگی می کنیم، گرایش ها و ترجیحات ارتباطی دائماً در حال تغییر هستند. نحوه برقراری ارتباط ما، چه در زندگی شخصی و چه در فضای اجتماعی، دستخوش دگرگونی عمیقی شده است که عمدتاً ناشی از پیشرفت فناوری و ظهور نسل های جوان با سبک های ارتباطی متمایز است. بنابراین تعریف ارتباطات بین فردی به دلیل توسعه ابزارها و فناوری های دیجیتال تغییر کرده است. هر فن آوری نحوه ارتباط یا تعامل افراد را تغییر می دهد (McMahan and Duck, 2003). از سوی دیگر، پیوند بین نسل ها سال هاست که یکی از مهم ترین دغدغه های بشر بوده است. بشر همواره نیازمند است که تجارب و فرهنگ خود را در اختیار نسل جوان تر قرار دهد و بدین وسیله می خواهد پشتوانه محکم تری را برای نسل های آتی بسازد. چگونگی برقراری ارتباط با نسل های دیگر اثر مستقیمی بر پذیرش و یا عدم پذیرش دیدگاه ها و نگرش ها دارد. در این مقاله تلاش بر این است به این پرسش ها پاسخ داده شود که به چه دلایلی ارتباطات بین نسل ها تغییر یافته است؟ مطالعات روان شناختی و جامعه شناختی در حال حاضر چه نسل هایی را شناسایی کرده اند و به چه نحو و با چه ویژگی هایی آن ها را معرفی نموده اند؟ نسل های مختلف چگونه بر این باورند که دیگران آنها را درک می کنند؟ و یا اصولاً چنین درک متقابلی وجود دارد؟ چگونه می توان ارتباط و پیوندهای بین نسل ها را به گونه ای متحول کرد که در جهت سازندگی پیوند و درک متقابل آن ها باشد؟ پرداختن به این سوالات در نهایت ممکن است به درک کلی تری از ارتباطات کمک کند. همچنین در این مقاله تأثیر اشکال جدید ارتباط بر روش های ارتباطی نسل ها و قطع ارتباط بین نسلی بررسی می شود.

## ۲- تئوری و پیشینه ارتباط

تکامل را می توان به عنوان فرآیند حل مسئله، پاسخ های خلاقانه به چالش های محیطی در نظر گرفت. پس جای تعجب نیست که ارتباطات - از ابتدایی ترین سیگنال رفتاری تا مدل های تحلیلی پیچیده - به عنوان مهم ترین ابزار ظاهر می شود. ارتباطات به قدمت خود زندگی است. از لحظه ای که یک زندگی جدید شروع می شود، ارتباط این زندگی جدید با محیط نزدیک آن آغاز می شود. در طول قرن ها، انسان بر اساس تجربیات خود در ارتباط، نام ها و اصطلاحات مختلفی را به آن اختصاص داده است (Anderson, and Ross, 2002). کار کنونی برای کشف عمیق ترین ریشه های تاریخی و بلوک های ساختمانی اساسی ارتباطات، ممکن است کلیدهایی را برای پرداختن به چالش های حیاتی زمانه به ما بدهد. تاریخچه ارتباطات را می توان از زمان پیدایش گفتار در حدود ۱۰۰۰۰۰ سال قبل از میلاد ردیابی کرد (Miyagawa et al, 2014). استفاده از فناوری در ارتباطات ممکن است از زمان اولین استفاده از نمادها در حدود ۳۰۰۰۰ سال قبل از میلاد مورد توجه قرار گیرد. از نمادهای مورد استفاده می توان به نقاشی های غار، سنگ نگاره ها، پیکتوگرام ها<sup>۱</sup> و ایدئوگرام ها<sup>۲</sup> اشاره کرد. ناقص بودن گفتار امکان انتشار آسان تر ایده ها را فراهم کرد و در نهایت منجر به ایجاد اشکال جدیدی از ارتباطات شد که هم دامنه ارتباط مردم و هم طول عمر اطلاعات را بهبود بخشید. همه آن اختراعات بر اساس مفهوم کلیدی نماد بود. ارتباط کلامی یکی از اولین اشکال ارتباط انسانی است، سنت شفاهی داستان سرایی به زمان های مختلفی در تاریخ بازمی گردد. توسعه ارتباطات در شکل شفاهی آن می تواند بر اساس دوره های تاریخی خاصی باشد. پیچیدگی ارتباطات شفاهی همیشه بر اساس شرایط دوره زمانی منعکس شده است. ارتباطات کلامی هرگز محدود به یک حوزه خاص نبود، در عوض، یک سنت مشترک جهانی از ارتباطات بوده و همچنان ادامه دارد (Panini et al, 2015). مردم از طریق آهنگ، شعر و سرود، به عنوان نمونه، ارتباط برقرار می کردند. مردم به صورت گروهی جمع می شدند و داستان ها، اسطوره ها و در نتیجه تاریخ را منتقل می کردند. شاعران نواحی هندواروپایی به دلیل تسلط بر کلام گفتاری و توانایی در داستان سرایی به «بافنده کلمات» معروف بودند (Woodward, 2014). ارتباطات بین فردی یک سنت تحقیقاتی جا افتاده در زمینه ارتباطات است. مطالعه ارتباطات بین فردی در دهه ۱۹۱۰ آغاز شد، زمانی که بسیاری از مردم روابط بین فردی موفق را کلید شادی می دانستند. منشأ حوزه ارتباطی (گفتار) را می توان در مطالعه بلاغت یا سخنرانی عمومی، به ویژه در محیط های سیاسی، جستجو کرد. استامپ (Stamp, 1999) به دشواری تعریف ارتباطات بین فردی اشاره دارد و عنوان می کند که این دشواری به مطالعه آن نیز گسترش می یابد، زیرا ارتباطات بین فردی اغلب خصوصی، زودگذر و پیچیده است. موضوعاتی از جمله آیین های تعامل، رازداری، ویژگی های زوج ها و انواع روابط اجتماعی، پایه و اساس درک نحوه تعامل افراد در سطح شخصی تر را پایه گذاری کردند. بسیاری از این مطالعات اولیه مربوط به تعامل در سازمان ها بود در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، محققان از رشته های مختلف شروع به کشف چگونگی اهمیت عناصر انسانی گروه های کاری، به ویژه از نظر ارتباطات شخصی کردند. بعدها، مطالعات در مورد اینکه چگونه تعامل و روابط بر بهزیستی روانی تأثیر می گذارد رایج شد. تحقیقات در مورد بیماری های روانی در دهه ۱۹۵۰ رایج تر شد و این کار به روانشناسان کمک کرد تا بفهمند مشکلاتی مانند اسکیزوفرنی در افراد متمرکز نیست بلکه احتمالاً از تعاملات بین فردی در طول زندگی ایجاد شده است. در طول دهه ۱۹۵۰، ریتم یا جریان مکالمات نیز مانند ارتباطات غیرکلامی، به حوزه ای متمایز از تحقیق تبدیل شد. این مطالعات نشان داد که آنچه مورد تبادل قرار می گیرد «معنا» است زیرا مردم با دیگران برای یادگیری و به اشتراک گذاشتن نمادها ارتباط

۱ - pictograms : پیکتوگرام یک نماد گرافیکی است که از طریق شباهت بصری خود به یک شی فیزیکی معنا را منتقل می کند. مثل نماد لاک پشت برای آهسته رفتن

۲ - ideograms : ایدئوگرام نمادی است که ایده یا مفهومی مستقل از هر زبان خاصی را نشان می دهد. شبیه خط میخی

3 - Meaning

برقرار می‌کنند (Manning, 2020). در دهه ۱۹۹۰، گروه‌های مختلف دانشگاهی پیرامون موضوع ارتباطات بین فردی به تحقیق پرداختند. به این ترتیب، انواع مختلفی از ارتباطات بین فردی - به ویژه ارتباطات خانوادگی و تعامل اجتماعی - مورد توجه محققان قرار گرفت. این روند تا قرن بیست و یکم ادامه یافت، جایی که ارتباطات با واسطه رایانه، مطالعات کیفی تفسیری روابط، و جنبه‌های بیولوژیکی تعامل بین فردی به موضوعات یا رویکردهای رایج تبدیل شدند. از سویی نیز مهارت شناخت از خود به فرد کمک می‌کند تا بتواند شناخت بیش تری از خود، خصوصیات، نیازها، خواسته‌ها، اهداف، نقاط ضعف، نقاط قوت، احساسات، ارزش و هویت خود داشته باشد. افزایش مهارت خود آگاهی باعث تقویت ارتباط مناسب بین افراد و شناخت بهتر احساسات فرد مقابل می‌گردد.

به منظور تبیین تحول ارتباط بین نسل‌ها ابتدا می‌بایست با واژه‌های اساسی این حوزه بیش تر آشنا شویم:

**نسل:** دایره‌المعارف علوم اجتماعی «نسل» را این چنین تعریف کرده است:

«در جمعیت‌شناسی، به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک زمان فارغ‌التحصیل می‌شوند، گروهی که در زمانی بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند.»

**ارتباطات:** ارتباطات نزد اشخاص گوناگون معانی متفاوتی دارد. اصولاً کلمه ارتباط از واژه (Communication) لغتی با ریشه لاتین (Communicate) مشتق شده است که این لغت خود در زبان لاتین به معنای (To make Common) یا عمومی کردن است. این بدان معناست که مفهومی که از درون فردی برخاسته است به دیگران راه یافته و انتقال یافته است. آنچه ارتباطات انسانی را از دیگر موجودات زنده متمایز و مشخص می‌سازد، توانایی بسیار زیاد انسان‌ها در خلق و استفاده نمادها<sup>۴</sup> می‌باشد. بر اساس این توانایی است که انسان‌ها مستقیماً و بی واسطه یا غیر مستقیم و با واسطه، تجارب خود را با دیگران در میان می‌گذارند.

**ارتباطات بین فردی:** در سال ۱۹۷۲، فرانک دنس و همکارانش (Dance, 1972) زمینه ارتباطات بین فردی را برای تعاریف ارتباطات بررسی کردند. آن‌ها ۱۲۶ تعریف پیدا کردند. تعدادی از آن‌ها نیز فرموله شده بود. بدیهی است که خلاصه کردن یا تعریف فرآیندی به پیچیدگی ارتباطات، بسیار دشوار است. «ارتباط» در واقع «تلاش پس از معنا» است، یک عمل خلاقانه که توسط انسان آغاز می‌شود که در آن او به دنبال تمایز قائل شدن و سازمان‌دهی نشانه‌ها به منظور جهت‌گیری در محیط خود و ارضای نیازهای متغیر خود است. منینگ (Manning, 2020) ارتباطات بین فردی را شامل تعامل بین دو یا چند نفر می‌داند که معمولاً با یک ارتباط مستقیم و با نوعی رابطه فرض شده است.

**ارتباط مؤثر:** ارتباط مؤثر آن است که فرستنده بتواند منظور خود را به گیرنده پیام برساند و زمانی کامل می‌شود که معنی و مفهومی که در ذهن فرستنده است و قصد دارد آن را ارسال دارد، با آنچه گیرنده از آن دریافت و از خود نشان می‌دهد، یکی باشد. ارتباط مؤثر باید دارای ویژگی‌های درک، لذت و مسرت، نفوذ در نگرش‌ها گسترش روابط و کنش یا عمل باشد.

**ارتباط بین نسل‌ها:** اصطلاح روابط بین نسلی به هر نوع رابطه بین افراد و گروه‌های نسل‌های مختلف اشاره دارد. این رایج‌ترین و عام‌ترین معنی است. روابط بین والدین و فرزندان یا بین پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و نوه‌ها نمونه‌های خوبی از روابط بین نسلی هستند.

**شکاف نسل‌ها:** دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً گسست نسل‌ها نامیده می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان

می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن‌کشی و طغیان‌گری می‌پردازند. شکاف نسلی به شکافی اشاره دارد که باورها و رفتارهای متعلق به اعضای دو نسل متفاوت را از هم جدا می‌کند. به طور خاص، شکاف نسلی را می‌توان برای توصیف تفاوت در افکار، اعمال و سلائق نشان داده شده توسط اعضای نسل‌های جوان در مقابل نسل‌های قدیمی‌تر مورد استفاده قرار داد. تفاوت‌ها ممکن است در سیاست، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و سایر زمینه‌ها باشد. در حالی که شکاف‌های نسلی در تمام دوره‌های تاریخ رواج داشته است، وسعت تفاوت این شکاف‌ها در قرن ۲۰ و ۲۱ بیش‌تر شده است.

### ۳- بحث

#### ۳-۱- شکاف نسل‌ها، تحول و تکامل نسلی

رویکرد تحول ارتباطی نسل‌ها را نمی‌توان بدون تبیین مفهوم شکاف نسل‌ها، گروه‌بندی‌های روان‌شناختی سنی و علل و عوامل این شکاف بررسی نمود. شکاف نسلی به عنوان افکار و جهان‌بینی‌های مختلف توسط گروه‌های نسلی مختلف تعریف می‌شود. اصطلاح «شکاف نسل‌ها» برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ به کار رفت. از شکاف نسلی بین افراد می‌توان برای توضیح تفاوت‌ها در جهان‌بینی و اعمال مشاهده شده در میان افراد گروه‌های سنی مختلف استفاده کرد. کسب و کارها اغلب به دنبال درک ویژگی‌های مختلف هر نسل برای ایجاد و بازاریابی بهتر محصولات و خدمات خود هستند. از سوی دیگر، کارفرمایان به دنبال کاهش شکاف نسلی در محیط کار با به کارگیری انواع تکنیک‌ها هستند. بشری که موجودی اجتماعی است و اساسی‌ترین نیازش ماندن در کنار مردم است، از همان دوران اولیه تاریخ‌گرایی به با هم بودن، عمل کردن و اتحاد داشته است. افرادی که در یک دوره زندگی می‌کنند و بنابراین شرایط و حتی تجربیات یکسانی را به اشتراک می‌گذارند، تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند. این وضعیت منجر به این واقعیت می‌شود که افرادی که در دوره‌های مشابه یا نزدیک به دنیا آمده‌اند، رشد کرده‌اند، ویژگی‌های مشابهی دارند. جای تعجب نیست که افرادی که بر اساس محیطی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، موارد اجتماعی و مواردی که مورد علاقه کل بشریت است، ویژگی‌های مشابهی داشته باشند. دانشمندانی که روی این موضوعات تحقیق می‌کنند، برای تعریف افراد و ویژگی‌های آن‌ها، اصطلاح «نسل» را مطرح کرده و مطالعات خود را در مفهوم این واژه متمرکز کرده‌اند. بر اساس مطالعات؛ نسلی که بین سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۴۵ متولد شد، به عنوان نسل خاموش «سنت‌گرایان» نام گرفت و چندان مورد مطالعه قرار نگرفت، زیرا نسلی به حساب می‌آید که تأثیر عمده‌ای ندارد. نسلی که پس از جنگ جهانی دوم به دنیا آمدند و به همین دلیل نام «بیبی بومرها» را دارند، شامل افرادی می‌شود که حدوداً بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ متولد شده‌اند و نمایندگان این نسل امروز به عنوان بازنشسته یا در شرف بازنشستگی شناخته می‌شوند. بزرگترین هدف نسلی که تقریباً بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ به دنیا آمد و به نام «نسل ایکس» نامگذاری شد، همگامی با تغییرات جهان است. امروزه نمایندگان این نسل در زندگی اجتماعی و کسب و کار نقش فعالی دارند. نسلی که بین سال‌های ۱۹۸۰ تا حدود سال ۱۹۹۴ متولد شد و به عنوان نسل هزاره‌ها یا نسل Y نام‌گذاری شد، فرزندان جهانی‌سازی هستند. برای فرزندان این نسل که به توسعه و سهولت فناوری دسترسی پیدا کرده‌اند، فناوری یکی از سنگ بنای زندگی است. نسل Y که جایگاه مهمی به ویژه در زندگی تجاری دارد، امروزه مورد بررسی‌های مختلفی قرار گرفته است. آخرین نسلی که حدوداً از سال‌های ۱۹۹۵ به بعد متولد شد، نسل فناوری است. این نسل که فناوری را چیزی ضروری می‌داند، ممکن است هنوز وارد زندگی تجاری نشده باشد (Baysal Berkup, 2014). به همین دلیل، نسل Z «نسل دیجیتال» نامیده می‌شوند، زیرا تمام عمر خود را با فناوری دیجیتال زندگی کرده‌اند. در مقابل، اعضای نسل قدیمی‌تر «مهاجران دیجیتال» نامیده می‌شوند و تمایل دارند با استفاده شخصی از فناوری‌ها راحت نباشند. در نتیجه، شرکت‌های فناوری محصولات را برای هر گروه سنی متفاوت به بازار عرضه



می کنند. بخش های نسلی با دسته های دیگری پیش می روند: بزرگ ترین نسل نیز به عنوان «نوزادان رادیویی» شناخته می شوند. نسل خاموش را «سنت گرایان» نیز می نامند. بیبی بومرها به عنوان نسل «من» نیز شناخته می شوند (Geher et al, 2023).

با توجه به توضیحات بالا، نسل های زنده کنونی به پنج گروه عمده زیر تقسیم می شوند: ۱- نسل خاموش<sup>۵</sup> (یا سنت گرایان) ۲- بیبی بومر<sup>۶</sup> ۳- نسل X<sup>۷</sup> ۴- نسل هزاره ها<sup>۸</sup> (یا نسل Y) ۵- نسل Z<sup>۹</sup>. هر نسل ویژگی های خاص خود را در رابطه با زبان بومی، تأثیرات فناوری، نگرش در محل کار، آگاهی عمومی و شیوه های زندگی دارد. (Geher et al, 2023). در زیر به ویژگی های نسل های یاد شده پرداخته می شود:

### ۱- نسل خاموش (نسل پدر بزرگ)

اصطلاح «نسل خاموش» برای اولین بار در مقاله ای در مجله تایم در سال ۱۹۵۱ ثبت شد که ادعا می کرد شگفت انگیزترین واقعیت در مورد این نسل سکوت آن است «در مقایسه با جوانان شعله ور پدران و مادرانشان، نسل جوان امروزی ساکن است». رفتار «ساکت» این نسل به دوران سختی که در آن متولد شدند و همچنین به بلوغ رسیدن آن ها در آن دوران نسبت داده شده است. اگرچه نسل خاموش به رفتار سنت گرایانه و تمایل به کار در سیستم به جای تغییر آن شهرت دارد، بسیاری از اعضای نه چندان ساکت و غیرسنتی این نسل جهان را به شیوه های مهمی شکل دادند. در سطح جهانی، آن ها افرادی بودند که دورانی را سپری کردند که با رکود بزرگ مشخص شده بود، ظهور نازیسم و ویرانی فاجعه بار ناشی از بمب هسته ای را تجربه کردند. این اتفاقات برخی از دلایلی است که آنها نسلی بودند که در ترس بزرگ شدند و ترجیح دادند سخت کار کنند و از رویدادهای سیاسی دوری کنند. بنابراین برچسب «ساکت» را برای آنها به ارمغان می آورد. احترام به اقتدار و وفاداری عمیق به نهادها، رهبران و هنجارهای آنها ارزش های ذاتی بسیاری از اعضای نسل خاموش در بزرگسالی بود. تمایل آن ها برای قرار دادن نیازهای جمعی بر خواسته های شخصی، آنها را به عنوان نسلی سازگار که صلح را به جای تعارض ارزش قائل است، تبدیل کرد. اغلب اعضای نسل خاموش در طول سال های کاری خود با یک کارفرما باقی می ماندند و وفاداری و فداکاری قابل توجهی از خود نشان می دادند. ارزش هایی چون احترام به اقتدار، تعهد به کار، وفاداری، محافظه کاری در این گروه دیده می شود. همه این ویژگی ها و ارزش ها اساساً تحت تأثیر رویدادهای سیاسی-اجتماعی زمان خود بودند و نسل خاموش را به گروهی منحصر به فرد و متمایز تبدیل کردند که امروزه به آن معروف هستند.

### ۲- نسل بیبی بومرها (نسل بومرها)

نسل خاموش و بیبی بومرها اساساً تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متفاوتی که در آن بزرگ شدند شکل گرفتند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، زمانی که نرخ زاد و ولد در سراسر جهان افزایش یافت، نسل بومرها ظهور یافتند. انفجار نوزادان تازه متولد شده به نام «بیبی بوم» معروف شد. در دوران رونق، ۷۶ میلیون نوزاد تنها در ایالات متحده متولد شدند. نسل بچه های بومر بخش قابل توجهی از جمعیت جهان، به ویژه در کشورهای توسعه یافته را تشکیل می دهند. به عنوان بزرگترین گروه نسلی در تاریخ ایالات متحده (تا نسل هزاره که با رشد اندکی از آنها پیشی گرفته است)، نسل بومرها تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد داشته، و همچنان دارند (اداره سرشماری ایالات متحده<sup>۱۰</sup> ۲۰۲۰). در این گروه افراد سرشناسی

<sup>5</sup> - Silent Generation

<sup>6</sup> - Baby Boomers

<sup>7</sup> - Generation X

<sup>8</sup> - Millennials

<sup>9</sup> - Generation Z

<sup>10</sup> - United States Census Bureau

چون بیل گیتس، باراک اوباما، جورج کلونی و مایکل جکسون قرار دارند. بیبی بومرها تجربیات و انتظاراتی از زندگی داشته اند که عمیقاً با نسل های قبلی متفاوت است. بومرها سخت کوش و به عنوان معتاد به کار شناخته می شوند. آن ها وفادار و متعهد به کارفرمای خود و نقش و مسئولیت آنها با اعتماد به نفس، رقابتی، مستقل و متکی به خود با انگیزه موقعیت، امتیازات و اعتبار دارای انبوهی از مهارت ها، دانش و تجربه هستند. خود را با دستاوردهای حرفه ای خود تعریف می کنند نسبت به نسل های بعدی که احساس می کنند فاقد اخلاق کاری صحیح و تعهد به محل کار هستند، انتقاد می کنند. اعتقاد به ساختار سلسله مراتبی و رتبه بندی دارند و ممکن است در سازگاری با روندهای جدیدتر و انعطاف پذیری در محل کار کمی مشکل داشته باشند. حاضرند برای مدت طولانی در همان شغل بمانند و ترجیح می دهند از طریق تلفن یا حضوری ارتباط برقرار کنند و با توجه و قدردانی از میزان موفقیت های خود، انگیزه دارند (Slagsvold, and Hansen, 2021). نقد اخلاقی بومرها، بیش تر روان شناختی است و به انتظارات و اصرار ادعایی آن ها بر کنترل کردن، برای داشتن آن به شیوهی خود اشاره دارد. برای اینکه خودخواهانه و بی پروا عمل کنند، بومرها باید بتوانند بر دیگران تأثیر بگذارند و آن ها کنترل کنند. در حالی که ارزش ها اهداف را شکل می دهند و رفتار را هدایت می کنند، باورهای کنترلی نیرو یا نیرو می دهند تا مطابق با ارزش ها عمل کنند. این فرض که بومرها انتظارات کنترل بالایی دارند، عمدتاً در تصویری که از بومرها به عنوان «نسل حریص» نشان داده می شود، مستتر است. با این حال، باورها یا عاملیت کنترل گرایانه شدید، برای عمل بر اساس ارزش های فردگرایانه و حیاتی، از ویژگی های ضروری این نسل به شمار می روند. برخی چهره ها و ویژگی های آن ها ممکن است هنوز ناشناخته بوده و به تحقیقات بیش تری نیازمند است (Slagsvold, and Hansen, 2021).

### ۳- نسل X

نسل بعد از بومرها را نسل X می خوانند. این نسل را به این دلیل نسل X می دانستند که بسیاری از ویژگی های آن ها شناخته نشده بود. البته، نظریه های متعددی در مورد اینکه نام این نسل از کجا سرچشمه گرفته است، وجود دارد. گاهی از آن ها به عنوان «نسل ساندویچ»<sup>۱۱</sup> یاد می شود. زیرا از دیدگاه فردی به عنوان مراقبت همزمان از والدین و فرزندان توصیف شده اند. دوره ای که اعضای این نسل در آن رشد کردند با بی ثباتی اقتصادی و تغییرات عمده در هر دو حوزه اجتماعی و سیاسی مشخص می شود. ایلان ماسک و دونالد ترامپ از مشهورترین افراد این نسل هستند. اعضای نسل X در موارد زیادی با تعداد خانواده های با درآمد دوگانه، خانواده های تک والدی و فرزندان طلاق بیش تر از نسل بومرها مشخص می شوند. آن ها تحصیل کرده هستند و به اهمیت آموزش اعتقاد دارند. اکثر اعضای این نسل به سطح مشخصی از ثبات مالی رسیده اند و تا حد زیادی در حال پس انداز هستند. آن ها خریدارانی با نیاز و قدرت خرید بالا هستند که محرک های فعلی توسعه محسوب می شود. آن ها بر اساس هرم ارزشی سنتی پرورش یافته اند و حیا، وفاداری، همبستگی و آینده ای مطمئن از مهم ترین ارزش های آن ها هستند. آن ها به روش های سنتی، مشابه نسل قدیمی بیبی بومرها، به بازاریابی پاسخ می دهند. آنها با استفاده از فناوری های مختلف بسیار بیش تر از بومرها آشنا هستند. بسیاری از آنها از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند و استفاده از تلفن های همراه هوشمند در بین آنها رواج دارد. آنها همچنین به صورت آنلاین خرید می کنند. در مقایسه با نسل های قبلی، اعضای نسل X از نظر قومی متنوع تر هستند و تا حدودی کم تر درگیر مذهب سازمان یافته هستند (McKenna, 2024). گاهی از آن ها به عنوان بدبین یاد می شود که ناشی از آشوب اقتصادی و اجتماعی است که در کودکی و بزرگسالی تجربه کرده اند. نسل X خوش شانس تر بود زیرا جمعیت آنها کم تر بود. آنها اولین نسلی هستند که به لطف تأثیرات وقایع رخ داده در سراسر جهان، قادر به تفکر جهانی هستند. در مقایسه با نسل های قبلی، آنها متکی به خود و

<sup>11</sup> - Sandwich Generation

ماهرتر هستند زیرا با توجه کم تر والدین بزرگ شدند. آنها تمایل دارند خود را به عنوان نسلی از دوره انتقالی جهت دهی کنند.

#### ۴- نسل هزاره ها (نسل Y)

نسل Y معمولاً به عنوان هزاره ها توصیف می شود و یک گروه دموکراتیک است. نسل Y وقتی با موقعیتی مواجه می شوند به دنبال پاسخی برای سوال «چرا» هستند. بنابراین به آن نسل «چرا» نیز می گویند. آن ها در جهانی بیش از حد برنامه ریزی شده متولد شدند که در آن همه مشغول انجام کاری هستند. نسل Y در کنار کار کردن و ارتقای مهارت های خود در مشاغل حرفه ای ترجیح می دهند با خانواده و عزیزان خود وقت بگذرانند و در هر دو طرف موازی کار کرده اند و به نوعی بر مهارت تعادل بین کار و زندگی مسلط شده اند. این نسل به آگاهی مدنی و اجتماعی دست یافته است و به صراحت بیش تر به مسائل جهانی مانند گرم شدن کره زمین، تغییرات آب و هوایی توجه دارد. آن ها فعالانه تر درگیر هدف هستند تا از تغییرات بیشتر حمایت کنند. این نسل با تحصیلات عالی، گذار از سنت به عصر جدید را تجربه کردند و خود را «روح های آزاد» تعریف کردند. بارزترین ویژگی آنها، که با نسل های دیگر متفاوت است، این است که آنها با تکنولوژی زندگی می کنند. بنابراین از آن به عنوان «فناوری ترین نسل» یاد می شود. یکی از رویدادهایی که به طور قابل توجهی بر Y ها تأثیر گذاشته و تحت تأثیر جهانی شدن به عنوان اولین نسل جهانی قرار گرفت، پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات است. آنها نسلی هستند که می توانند همگام با تغییر حرکت کنند، حتی آن را دوست داشته باشند و بخواهند. آنها از سرعت تغییر آگاه هستند. آنها می توانند همه نوع کار خود را خیلی سریع انجام دهند. Y ها انتظار را دوست ندارند و نمی دانند که صبور باشند. از سوی دیگر، اعضای نسل Y می توانند جهانی تر از سایر نسل ها فکر کنند، زیرا در دنیایی جهانی شده متولد شده اند. آنها به سایر نژادها، جنسیت ها، ریشه های قومی، ارزش های فرهنگی و انتخاب های جنسی احترام می گذارند (Berkup, 2014 Baysal). با وجود این که نسل Y به خاطر خود محوری، مادی گرایی و تنبلی شهرت پیدا کرد، اعضای آن اغلب در مقایسه با نسل های قبلی دارای ذهنیت باز، انعطاف پذیری، اعتماد به نفس، ابراز وجود، مسئولیت اجتماعی، توجه به محیط زیست و لیبرالیسم اجتماعی هستند. با این حال، نسل Y با چالش مواد مخدر روبرو است، که همچنین نگرانی بزرگی را برای مدیریت سازمان ها برای رسیدگی به این وضعیت ایجاد می کند (Agheorghiesei and Iorga, 2013).

#### ۵- نسل Z

نسل Z که با نام نسل پست هزاره نیز شناخته می شود، گروهی بسیار مشارکت کننده هستند که عمیقاً به دیگران اهمیت می دهند و نگرش عمل گرایانه ای در مورد چگونگی رسیدگی به مجموعه ای از مسائل موروثی مانند تغییرات آب و هوایی دارند. عمیقاً به دیگران اهمیت می دهد، برای یک جامعه متنوع تلاش می کند، بسیار مشارکتی و اجتماعی است، برای انعطاف پذیری، ارتباط، اصالت و رهبری غیر سلسله مراتبی ارزش قائل است، و در عین حال که از مسائل موروثی مانند ناامید است. تغییرات اقلیمی، نگرش عمل گرایانه ای در مورد کاری که باید برای رسیدگی به این مسائل انجام شود، دارد. نسلی جدیدترین نسلی است که وارد نیروی کار شده است. آن ها از نظر فناوری ماهرترین نسل هستند و به شدت به وب رسانه های اجتماعی متصل هستند. نسل Z بیش از نسل های قبلی برای آموزش ارزش قائل هستند و تعداد بیش تری از آنها در حال ثبت نام در دانشگاه هستند. آن ها ارتباط بین اهداف مالی، اهداف شخصی و تحصیلات خود را می بینند و مشتاق هستند تا جایی که می توانند دانش خود را جذب کنند. آن ها همچنین می خواهند و انتظار دارند که به طور فعال در آموزش خود مشارکت داشته باشند، مانند انتخاب موضوعات مطالعه و ایجاد محتوا برای دوره ها. آن ها از گوش دادن به سخنرانی و خواندن کتاب های درسی سیر نمی شوند. نسل Z ها در یک لحظه می توانند در دو جهان زندگی کنند، یکی

دنیای مجازی است که اینستاگرام، فیس بوک و اسنپ چت همیشه آنها را احاطه کرده است، دیگری دنیای واقعی است. برای آن ها، جابجایی بین هر دو دنیا بسیار سریع و آسان است، اما برخی از محققان تأکید می کنند که بودن با این دو روش برای نسل Z به یک مشکل تبدیل می شود. (Mehta, 2021).

بر اساس کتاب نسل Z: هنر زندگی در عصر دیجیتال<sup>۱۲</sup> که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، چهار محقق برای تحقیق بیش تر بر روی نسل Z از دانشگاه استنفورد (Katz et al., 2015) مطالعه‌ای زمانی روی دانشجویان خود در امریکا و بریتانیا از طریق گفت‌وگوی عمیق و گروه‌های کانونی انجام دادند. نویسندگان با تکیه بر این مفهوم که «نسل» منعکس کننده یک تجربه و نگرش مشترک است، نه صرفاً تاریخ تولد مشترک، استدلال می کنند که نسل Z منحصر به فرد و مهم است، زیرا اولین نسلی است که همیشه اینترنت را می شناسد. یافته های آن ها نشان می دهد که نسل Z اولین نسلی هستند که هرگز جهان را بدون اینترنت نشناختند و متنوع ترین نسلی هستند که تاکنون وجود داشته است. این نسل، به‌عنوان نسلی فوق‌العاده متفکر، امیدوارکننده و فهیم ظاهر می‌شود که همداری به بزرگان خود درباره دنیای اطرافشان می‌دهد، همداری درباره پیچیدگی و عمق پدیده‌ها. این موضوع به شدت روی این که نسل Z چگونه زندگی و ارزش‌های خود را که با حس قوی از ارتباطات و همکاری به هم پیوند خورده است، می‌بیند، تأثیر گذاشته است. این نسل مجبور بوده واقعیت آنلاین جدید را بدون راهنمایی بزرگان خود مرور کند و خرده‌فرهنگ‌های غنی و غیرقابل نفوذ ایجاد کند. از سوی دیگر، یافته‌های آنان نشان می‌دهد که در ارتباط با این نسل، امریکا با پارادوکسی مواجه است، از سویی در اینترنت و فضای سایبر صدای بلندی دارد یا می‌تواند داشته باشد و توجه جهانی را به خود جلب کند و چیزهایی را به شکل جمعی و توده‌ای یا حتی فردی وایرال کند، کامنت بگذارد، لایک کند؛ اما در جهان واقعی عاملیت کمی دارد، یعنی در سیستم تصمیم‌گیری اقتصادی، مالی و اجتماعی تأثیر اندکی دارد. آن‌ها بین دوستانی که به صورت آنلاین ملاقات می‌کنند و دوستانی در دنیای فیزیکی فرقی نمی‌گذارند. مطالعات روان‌شناختی بر روی سه عامل شدت فعالیت CBL (بالا در مقابل کم)، جنسیت، و همدلی (شاخص ارزیابی همدلی، مقیاس همدلی پایه، مقیاس همدلی قومی فرهنگی)، که ماسکریپ (Moscrip, A.N., 2019) در سال ۲۰۱۹ بر روی دانشجویان دانشگاه فلوریدای شمالی که در نسل Z قرار می‌گرفتند، انجام داد، حاکی از آن است که زنان در نمرات پیش‌آزمون اولیه بالاتر بودند و در نمرات پس‌آزمون، همدلی مردان بالاتر بود. این تحقیق نشان داد که چگونه دانشجویان ممکن است به طور متفاوتی پذیرای تجربیات CBL بر روی متغیرهای جمعیتی و شخصیتی متعدد باشند.

### ۳-۲- دگرگونی روانی - اجتماعی نسل‌ها

نکته قابل توجه مربوط به مفهوم نسل این است که اعضای گروه مورد نظر در دوره خاصی از تاریخ تحت تأثیر چه حوادثی قرار گرفته‌اند و حوادث مذکور چه تأثیری بر آنها گذاشته است. نسل‌ها را می‌توان به‌عنوان گروه‌هایی از افراد با ارزش‌ها، باورها، انتظارات و رفتارهای مشترک، که در بازه‌های زمانی معینی متولد شده‌اند، تحت‌تأثیر رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشابه قرار می‌گیرند، و تحت شرایطی مسئولیت‌های مشابهی به آنها واگذار می‌شود، تعریف کرد (and Yüksesbilgili and Akduman 2015). طبقات نسلی که توسط کارشناسان با اشاره به بسیاری از رویدادهای تاریخی و تأثیرات مختلف تعریف می‌شود، با یکدیگر متفاوت هستند، اما شباهت‌های قابل توجهی نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود. افراد از نسل‌های مختلف با هم در جامعه زندگی می‌کنند. وجود تکنولوژی باعث تغییرات سریع و ریشه‌ای در قرن بیست و یکم شده است در حالی که توسعه و تغییرات سریع تکنولوژی در تعامل متقابل بوده است. این تغییرات اساس فناوری‌های جدید را تشکیل داده است. این تغییرات تجربه شده باعث شده تا افرادی که در دوره‌های زمانی مختلف متولد

<sup>12</sup> - Gen Z, Explained: The Art of Living in a Digital Age



شده اند، شخصیت ها، دیدگاه ها و ارزش های متفاوتی داشته باشند. تغییراتی که در اقتصاد، فرهنگ و سیاست رخ می دهد، عمیقاً بر ادراک، انتظارات و دیدگاه افراد تأثیر می گذارد. در نتیجه این فعل و انفعالات، مرزهای دوره های نسل ها مشخص شده و ویژگی های آنها مشخص می شود. هر نسل جوانی که جایگزین نسل قدیم می شود، با ویژگی های مشخصه و قضاوت ارزشی خود همراه می شود (Berkup, 2014 Baysal). محققان تلاش دارند تا نسل هایی که در طول زمان تحت تأثیر حوادث کلی مشابه بوده اند را در طول تاریخ مورد بررسی قرار دهند تا روانشناسی افراد را درک کنند و رفتار آن ها را تحت کنترل نگه دارند. دلایل اصلی که چرا تحقیقات زیادی روی نسل های امروز انجام می شود این است که تأثیرات شدید تغییرات تجربه شده بر افراد را می توان با وضوح بیش تری مشاهده کرد. جالب است که برای اولین بار در تاریخ چهار نسلی که ویژگی های متفاوت دارند با هم کار می کنند. از آنجایی که دوره مشخص برای هر نسل به دلیل تغییرات ایجاد شده، نسبتاً کوتاه شده است، شناخت پدیده نسل و تفاوت زمانی آن و نیز ویژگی های اعضای نسل ها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا این چهار نسل مختلف که دارای ویژگی های متفاوتی هستند که به شدت از یکدیگر جدا شده اند.

طی تحقیقات (Silva et al., 2014, Tarçalır, 2015) مشخص گردید که تفاوت هایی بین ویژگی های شخصیتی، راهبردهای حل تعارض بین فردی و مهارت های مقابله ای در بین نسل X، نسل Y و نسل Z وجود دارد. یک تفاوت آماری معنی دار در ویژگی های شخصیتی (گروه پذیری، برون گرایی، گشودگی به تجربه، وظیفه شناسی، و روان رنجورخویی) بین این سه نسل مشاهده می شود. در حالی که نسل Z به دلیل اتکا به شبکه های اجتماعی و ارتباطات آنلاین، تمایل به فردی شدن و تنهایی شدید دارند (Strauss and Howe, 1991)، آن ها ترجیح می دهند که به صورت آنلاین ارتباط برقرار کنند و ارتباط چهره به چهره با آنها تقریباً غیرممکن است بنابراین، این احتمال وجود دارد که نسل Z بالاترین سطح روان رنجورخویی و کم ترین سطح برون گرایی را در مقایسه با نسل X و نسل Y داشته باشد. مطالعه انجام شده با مدیران مدارس که از نظر سن و تجربه کاری در نسل X هستند، نشان داد که آن ها بالاترین امتیاز را برای نمره موافق بودن در مقایسه با ابعاد فرعی برون گرایی، روان رنجوری، وظیفه شناسی و گشودگی به تجربه دارند (Yıldızoğlu, 2013). از سوی دیگر طبق پژوهشی که در ترکیه در سال ۲۰۲۳ انجام پذیرفت مشخص شد که نسل Z مورد مطالعه به طور کلی نسبت به نسل های قبلی آگاه تر، مجهزتر و کنجکاوتر است. بنابراین، آن ها بیش تر تمایل دارند مستقل، نوآور، محقق و کنجکاو باشند. این ممکن است تا حدی به دلیل این واقعیت باشد که آنها به طیف وسیعی از اطلاعات دسترسی دارند (Kavalcı, 2015). از سوی دیگر طبق پژوهشی که در ترکیه در سال ۲۰۲۳ انجام پذیرفت، با این که انتظار می رفت نسل Z نمره بالاتری برای باز بودن تجربه داشته باشند، اما در واقع کم ترین امتیاز را برای باز بودن به تجربه در مقایسه با نسل های دیگر کسب نموده بود (Mat Umul, and Guloglu, 2023). از سوی دیگر، مطالعات قبلی نشان می دهد که مدیران متعلق به نسل X در مقایسه با برون گرایی، توافق پذیری، وظیفه شناسی و روان رنجورخویی بالاترین سطح گشودگی به تجربه را دارند (Tozkoparan, 2013).

اعضای نسل X به دلیل رکود بازارها نتوانستند به اندازه والدینشان درآمد کسب کنند. فقدان پول باعث از دست دادن انگیزه می شود، اگرچه وجود آن یک عامل انگیزشی نیست (Karp et al, 2002). یکی از بهترین ابزارهای انگیزشی برای نسل X که آزادی را دوست دارند، ممکن است توضیح دادن یک کار با جزئیات و انتظارات آن باشد و او را در انجام آن تنها بگذارند. انگیزه آنها معمولاً بالاست. برای ایجاد انگیزه در آنها، باید بازخورد ارائه کرد، امنیت و پیشرفت شغلی آنها را فراهم کرد و گزینه آزادی در محل کار "قوانین را فراموش کن و خودت انجامش بده" را ارائه دهد. آنها برخلاف پدربزرگ هایشان نسل نویسندگی نیستند. بنابراین آنها نامه و ارتباطات کتبی را دوست ندارند اما ایمیل را ترجیح می دهند. آنها همچنین دوست دارند از تلفن همراه در زندگی کاری و اجتماعی خود استفاده کنند. اعضای نسل X که در دنیای متولد شده اند که

در آن فناوری به تازگی شروع به توسعه کرده است، نسبت به نسل های قبل از خود خوش شانس تر هستند اما دانش کم تری نسبت به نسل های بعد از خود دارند، باید این فناوری را درک کرده و از آن استفاده کنند (Berkup, 2014 Baysal).

مطالعاتی که در رابطه با ارتباطات خانوادگی در ۴۰ سال اخیر صورت گرفته، نشان می دهد که ارتباطات خانوادگی می تواند روابط بین فردی را به طرق مختلف در طول چرخه زندگی رشد فرد تحت تاثیر قرار دهد. الگوهای ارتباطی خانواده تعیین می کند که چگونه یک فرد ممکن است به روابط نزدیک شود یا حتی روابط را شکل دهد. حتی ممکن است بر عزت نفس، جهت گیری حریم خصوصی، ویژگی های شخصیتی و رفاه روانی فرد تأثیر بگذارد. الگوهای ارتباطی خانواده می تواند تأثیر منفی و مثبت بر روابط بین فردی در خانواده ها، دوستی ها و روابط عاشقانه داشته باشد. امروزه ارتباطات در زندگی خانوادگی نقش اساسی دارد زیرا انتظارات برای روابط شخصی در قرن حاضر به آرامی اما به طور اجتناب ناپذیر تغییر کرده است. اگرچه بسیاری از کارکردهای سنتی خانواده به سایر نهادهای اجتماعی (مثلاً مراقبت از سالمندان، آموزش فرزندان و غیره) واگذار شده است، کارکرد تربیتی همچنان باقی است و پرورش اعضای خانواده در درجه اول از طریق تبادل پیام های کلامی و غیر کلامی صورت می گیرد (Angelica, 2019). ایجاد روابط اعتماد و احترام عاملی حیاتی است که ارتباط مؤثر بین مردم را تعریف می کند. بنابراین، عوامل مختلفی ممکن است بر روابط بین فردی در یک خانواده تأثیر بگذارد، به عنوان مثال، احساس همبستگی، عشق، یا توانایی خویشاوندان برای حفظ نگرش مثبت. با این حال، یکی از مهم ترین عواملی که بر ارتباطات خانواده تأثیر می گذارد، سطح تحصیلات اعضای خانواده است. هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد، احتمال این که افراد بتوانند روابط بین فردی قوی ایجاد کنند بیش تر است. (Corgi, 2021).

با بروز تحولات مهم اجتماعی مانند شهرنشینی، صنعت گستری و از همه مهم تر بوجود آمدن عقلانیت بتدریج از سیطره وجدان جمعی کاسته شد و خانواده نیز تحت تأثیر پدیده های اجتماعی جدید بتدریج از شکل و هیئت قبلی خود خارج گردید. بر این اساس در کارکردهای خانواده تغییراتی بوجود آمد که این تغییرات به صورت ناهماهنگ با تغییرات ساختی انجام گرفت. روابط بین خانوادگی مانند رابطه پدر و پسر تحت تأثیر شرایط اجتماعی تغییر یافت و در آن دگرگونی هایی بوجود آمد. این امر تا آنجا ادامه یافت که به عنوان یک پدیده و مسأله مهم اجتماعی نظر محققان را بخود جلب نمود زیرا از منظر آسیب پذیری خانواده وجود شکاف بین روابط اولیاء و فرزندان یکی از خطرانی است که استحکام خانواده را مورد تهدید قرار می دهد. شکاف بین نسلی در خانواده ها معلول دلایل بسیاری، از جمله کاهش ارتباط مؤثر اعضای خانواده، افزایش دریافت اطلاعات و آگاهی های گوناگون جوانان از طریق وسایل ارتباط جمعی، تعدد و پراکندگی نهادها و رسانه های فرهنگ ساز و تربیتی، هجوم فرهنگ جوامع مختلف غربی و شرقی به کشور، افزایش نیازها، خواسته و توقعات جوانان از خانواده و جامعه و از سویی ناتوانی خانواده در پاسخگویی مناسب به آن ها و غیره است. برخی از عوامل یاد شده تبعاتی دارد که خود از عوامل تشدید کننده شکاف نسلی به شمار می روند.

#### ۴- ارتباطات بین نسل ها با تأکید بر روان شناسی مثبت نگر

ارتباطات بین فردی ریشه خود انسان است. از طریق ارتباطات است که روابط بین فردی شکل می گیرد، مدیریت می شود و منحل می شود (در زمان مناسب). کیفیت رابطه مثبت/منفی یکی از قوی ترین پیش بینی کننده های روانی-اجتماعی پیامدهای سلامت جسمی و روانی فرد است.

ارتباطات میان افراد، همچون اشکال دیگر رفتار انسان ها، می تواند در دو حد غایی بسیار اثر بخش و بسیار غیر اثر بخش مطرح شود (فرهنگی ۱۳۷۹). با توجه به تجارب بشری، هیچ رفتار متقابل انسانی نمی تواند کاملاً موفقیت آمیز و یا کاملاً شکست و ناکامی باشد، اما هدف عمده سمت و سو دادن فعالیت ها و راهکارهای ارتباط مؤثر در جهت نیل به موفقیت و برداشتن موانع پیوند نسل ها است. برای دستیابی به ارتباط مؤثر راهکارهای چندی وجود دارد که با انتخاب مناسب، اثر

بخشی های آن ها را چندین برابر می نماید . با استفاده از این راهکارها و با افزوده شدن ارتباطات صحیح انسانی ، شکاف نسلی بتدریج کاهش یافته و جای خود را به پیوند نسلی می دهد . بسیاری از این راهکارها در واقع مهارت های کسب شدنی و آموختنی هستند. برخی ملاحظات برای ارتقای ارتباطات مثبت بین نسلی در ذیل ارائه می گردند :

- احساسات مثبت - تجربه شده توسط یک فرد در حین یا متعاقباً ارتباط مثبت با شخص دیگر، باعث ایجاد حالت دلپذیری از بدن و ذهن همراه با افزایش عملکرد سیستم ایمنی، رفع حوادث منفی قلبی عروقی و ایجاد منابع فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی برای مقابله با آن می شود. زندگی پر استرس را به چالش می کشد و به سلامت جسمی و روانی، شادی و عملکرد موفق تر کمک می کند.
- حتی در میان منفی بافی طاقت فرسا تقریباً در تمام ابعاد زندگی بشر در عصر حاضر، یک پرتو امید این است که تلاش بی وقفه برای برقراری ارتباط خوب و ایجاد احساسات مثبت در خود و دیگران می تواند نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشد. می تواند با پرورش عادت ارتباط گر خوب بودن، راه درازی را به همراه داشته باشد. این یک موضوع نگرش است و نه پول - کلمات محبت آمیز، گوش دادن با تمام توجه، استفاده از لحن صدای آرام، نگاه کردن در چشم ها، لبخند و نگرانی واقعی برای رفاه مخاطب همه چیزهایی هستند که مورد نیاز هستند (Mukherjee, 2017).
- بکار بستن همدلی به جای قضاوت ، از روش های تقویت ارتباط موثر است . همدلی یعنی قرار گرفتن در جای مخاطب و دیدن موضوع از دریچه چشم او . پدر و مادر یا مدیرانی که دارای چنین مهارتی هستند پدر و مادر یا مدیر موفقی هستند . همدلی به فرد کمک می کند که در مواقعی که تحت فشار استرس قرار دارد از این فشار رهایی یافته و در شرایط طبیعی تصمیم درست و منطقی بگیرد . افراد تحت استرس و فشار روانی به کسانی نیاز دارند که در مهارت همدلی توانایی داشته باشند ( طیب و خادمیان ۱۳۷۷).
- کاهش احساسات منفی بر شادی یا سلامت ذهنی تأثیر مثبت خواهد گذاشت. نه تنها عواطف مثبت و منفی به عنوان واسطه های ارتباط بین هوش هیجانی صفت و رضایت از زندگی عمل می کنند. اثر غیرمستقیم نیز بر رضایت از زندگی از طریق عواطف مثبت قوی تر از تأثیرات منفی است. احتمالاً منبع بسیار غنی از احساسات مثبت در زندگی روزمره، آن چیزی است که در ارتباطات بین فردی که هر فردی در هنگام صحبت با دیگران می خواهد تجربه می کند، مورد نیاز است (Zhou, 2013).
- هندرسون (Henderson, 1977) استدلال کرد که ناتوانی در ارضای نیاز به تعاملات مثبت عاطفی با دیگران منجر به عوارض روانپزشکی و حتی پزشکی می شود که اگر به درستی مداخله نشود، ممکن است فرد را بکشد. بین نقطه شروع و نقطه پایان، رنج های بی شماری از افراد نهفته است. پریشانی همراه افراد ناراضی، صرف نظر از اینکه عمرش با کشتن بیماری ها یا خودکشی ها کوتاه شود، بی نتیجه بودن و ناتوانی او در خدمت رسانی مثبت به خود و جامعه، نوعی از دست دادن نیروی انسانی ملی است . بنابراین فقدان و/یا اختلال در روابط رضایت بخش مثبت نه تنها اختلالات بالینی را ترکیب می کند یا نقشی در علت شناسی آنها دارد یا ممکن است به سادگی فرد را به راه های انحرافی یا غیرطبیعی برای ارضای آن کارکردها سوق دهد که روابط شخصی سالم معمولاً انجام می دهند. همه اینها در غیاب ارتباطات بین فردی غیر ممکن است حادث شود.
- به باور متولی (۱۳۸۳)، حضور فرد دیگری به محدوده ارتباطی هر انسان ، فرایند ارتباط را پیچیده تر می کند ، زیرا باورها ، ارزش ها و نگرش های هر فرد در شرایط متفاوت به گونه ای متفاوت متجلی می شوند. از سوی دیگر

همواره یک فرد فقط فرستنده پیام و فرد مخاطب گیرنده پیام باقی نمی ماند ، بلکه به گونه ای مداوم جای آن دو با یکدیگر عوض می شود.

- کیفیت ارتباطات و کیفیت زندگی پیوندی وجود دارد. پتانسیل انسانی از طریق ارتباط نزدیک، حمایتی و بین فردی رشد می کند. انسان‌ها در اصل رابطه‌ای هستند، بنابراین نیاز به تماس با سایر انسان‌ها دارند. در طول ارتباطات بین فردی افراد به عنوان یک شخص با دیگران ارتباط برقرار می کنند و در نتیجه انسانیت خود را تقویت می کنند. ارتباط متقابل به معنای شناخت انسان بودن یک انسان دیگر در جهانی مشترک است. ارتباطات بین فردی معنادار به این می پردازد که چگونه دو نفر به عنوان یک زوج با یکدیگر به عنوان افراد منحصر به فرد رفتار می کنند که غیرقابل جایگزینی هستند. به عبارت دیگر آنها بر زندگی یکدیگر تأثیر می گذارند.

- به هر شیوه ای، خواه از ارتباط نوشتاری یا گفتاری، ارتباط کلامی یا غیرکلامی؛ ارتباط چهره به چهره یا دیجیتال، فرآیند ارتباط، انسان‌ها را در کنار هم با معنا می سازد (Stewart, 2002).

- بومرهای بیش از حد محافظ باید به اعضای نسل Y و X استقلال بیش تری بدهند و مسئولیت و پاسخگویی را از آنها سلب نکنند ، اگر فرصت انجام این کار به آنها داده نشود، نمی توانند از جوانان انتظار داشته باشند که مستقل عمل کنند. آنها باید شروع به صحبت به «زبان دیجیتال» نسل جوان کنند تا مکالمات معنادارتر شوند. اگر بومرها از فناوری و ارتباطات دیجیتال استقبال کنند، می توانند با اعضای نسل دیگر رابطه معنادارتری برقرار کنند. از سوی دیگر، در مورد اعضای نسل Y، واضح است که آنها باید با ناآشنایی نسل بومرها با دستگاه های ارتباطی دیجیتال و ترجیح آنها برای ارتباط چهره به چهره همدلی داشته باشند.

- اگرچه اعضای نسل Y عموماً اعتماد به نفس دارند و در آنچه معتقدند محکم می ایستند، اما باید به روابط خود با نسل بومرها به شیوه ای مثبت برخورد کنند و راهنمایی و نصیحت را بپذیرند (Venter, 2017).

- هر دو نسل بومرها و Y می دانند که برای موفقیت در کار و تحصیل خود باید با تغییرات تکنولوژیک همراه باشند، اما در نحوه اعمال این تغییرات با هم تفاوت دارند. هر دو نسل با وجود تفاوت های نسلی، انسان هایی با شخصیت و ارزش های خاص خود هستند. جامعه چند نسلی باید به جای تمرکز بر تفاوت ها، ارزش گذاری ها را بر تنوع صورت دهد. زیرا کلیشه سازی و مقوله های سفت و سخت چندان کارساز نیستند.

- نسل های قبلی باید نسل های جدید را فرصتی برای یادگیری بدانند نه به عنوان یک تهدید. نسل های مختلف باید سعی کنند یکدیگر را به عنوان افراد منحصر به فرد ببینند و با وجود تفاوت هایشان، با احترام با یکدیگر رفتار کنند. تفاوت های نسلی را نمی توان تغییر داد، اما اعضای نسل های مختلف می توانند سعی کنند یکدیگر را درک کنند و ارزش های یکدیگر را تأیید کنند. هر نسلی می تواند از دیگری بیاموزد. نسل های مختلف باید بپذیرند که هر نسلی نقاط قوت و ضعف ذاتی خود را دارد. درک، احترام و نگرش باز منجر به ارتباطات معناداری می شود که در آن نسل ها می توانند یکدیگر را برانگیزند و بهترین ها را در یکدیگر به نمایش بگذارند. به اعتقاد والمسلی (Walmsley, 2011) اگر نسل های مختلف تصدیق کنند که می توانند از یکدیگر بیاموزند، فرهنگ مثبت تری وجود خواهد داشت که در آن مردم به یکدیگر احترام می گذارند.

- به گفته پرنسکی (Prensky, 2001) ، ساختارهای مغز نسل دیجیتال (نسل Z) به دلیل قرار گرفتن بی پایان آنها در معرض فناوری ها تغییر کرده است و در نتیجه، آنها اطلاعات را متفاوت از نسل های قبلی می اندیشند و پردازش می کنند. این جوانان به دریافت سریع اطلاعات عادت دارند. آن‌ها از طریق شبکه سازی همزمان سایت‌های اینترنتی مختلف، لذت و پاداش فوری دریافت می کنند، بنابراین از پردازش موازی و چند کاری همزمان استفاده



می کنند. این نسل به فرامتن فوری، موسیقی دانلود شده، ارتباط از طریق تلفن همراه و پیام های متنی و اطلاعات از لپ تاپ (یا آی پاد و تبلت) عادت کرده است. گرافیک اغلب برای آنها مهم تر از متن است و بنابراین خواندن برای این نسل چندان مهم نیست. آن ها معتقدند که ارتباط غیر کلامی به توضیح ارتباط کلامی کمک می کند. تأثیرات اجتماعی را تعیین می کند و بر جو عاطفی مکالمه تأثیر می گذارد، بنابراین شناخت نوع درک آن ها از ارتباط، برای نسل های قبل از آن ها اهمیت می یابد.

- فرصت های ارتباط رو در رو بی شتری باید بین نسل های مختلف ایجاد شود تا آگاهی نسل ها از احساساتی مانند همدلی و مهربانی افزایش یابد. گذاشتن وقت اعضای خانواده بدون حضور دستگاه های دیجیتال برای ایجاد روابط و یادگیری برقراری ارتباط معنادار در موقعیت های رودررو با نشانه های غیر کلامی مناسب مهم است.
- نسل های جدید تر می توانند به نسل های قدیمی تر خود بیاموزند که در زندگی بیش تر سرگرم شوند و به آن ها کمک کنند تا تعادل کار و زندگی شخصی خود را بررسی کنند. نسل های جدید تر بویژه X و Y باید بدانند که حضور فیزیکی برای روابط معنادار به ویژه با نسل های قدیمی تر مهم است.
- گرچه هنوز هم ارتباط چهره به چهره راه ایده آل برای برقراری ارتباط برای همه نسل ها باقی مانده است، اما متأسفانه این مهم مستلزم برنامه ریزی بوده و زمان بر است. در دنیای امروز، به نظر می رسد که این امر روز به روز دشوارتر می شود. به نظر می رسد ارتباط واقعی رو در رو در تعطیلات آخر هفته و تعطیلات محتمل تر باشد. اگر ارتباط حضور سنتی همیشه میسر نیست، به جای عدم برقراری ارتباط به دلیل کمبود زمان و مکان، افراد می توانند از طریق رسانه های دیجیتال برای رفع برخی از نیازهای رابطه ای خود و تقویت روابط معنادار بین نسل ها ارتباط برقرار کنند.

توسعه مهارت های ارتباطی، به ویژه مهارت های ارتباطی بین فردی مقوله بسیار مهمی است. اگر هر یک از نسل ها به درک شیوه های ارتباط نسل دیگر نرسند، ارتباط نسل ها با یکدیگر شکل نمی گیرد. این درک از یکدیگر برای کارفرمایان، معلمان و والدین که همگی درگیر روابط مختلف با نسل های جوان هستند، مهم است، اما برای نسل های جوان درک نسل های قدیمی تر نیز مهم است تا بتوان روابط معناداری برقرار و حفظ کرد. ارتباط چهره به چهره، متشکل از ارتباطات کلامی و غیر کلامی، غنی ترین وسیله ارتباطی برای انتقال احساسات شخصی، بازخورد همزمان، چندگانه همزمان است. ارتباط چهره به چهره بهترین راه برای تصمیم گیری، حل مشکلات و توسعه روابط است. یک ارتباط مناسب، خوب گوش دادن دقیق، نگرانی بین فردی، بیان احساسی، اعتماد به نفس و خونسردی را می طلبد.

### نتیجه گیری

عمل برقراری ارتباط جدید نیست، انسان ها از دوران غارنشینان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده اند. پیوند بین نسل ها سال هاست که یکی از مهم ترین دغدغه های بشر بوده است. بشر همواره نیازمند است که تجارب و فرهنگ خود را در اختیار نسل جوان تر قرار دهد و بدین وسیله می خواهد پشتوانه محکم تری را برای نسل های آتی بسازد. بشری که موجودی اجتماعی است و اساسی ترین نیازش ماندن در کنار مردم است، از همان دوران اولیه تاریخ گرایش به با هم بودن، عمل کردن و اتحاد داشته است. زندگی بشر به گونه ای شکل گرفته است که همواره چندین نسل در کنار یکدیگر زندگی می کنند و ناچار به تعامل با یکدیگر هستند. مسلماً در آینده نسل های جدیدی شکل می گیرند که در ویژگی های زیادی با نسل های موجود امروزی متفاوت هستند، اما اکنون پنج نسل خاموش یا سنتی، بومرها، نسل X، نسل هزاره ها یا نسل Y و نسل Z در تعامل با یکدیگر زندگی می کنند و هر کدام ویژگی های روان شناختی و اجتماعی خاص خود را دارند. ویژگی

های هر نسل با نسل بعدی تفاوت های چشمگیری را نشان می دهد. این تفاوت ها باعث شده است که تحقیقات مختلفی از سوی پژوهشگران بسیاری از کشورها صورت پذیرد که در این مقاله به برخی یافته های آن ها اشاره شده است. توسعه مهارت های ارتباطی، به ویژه مهارت های ارتباطی بین فردی مقوله بسیار مهمی است. اگر هر یک از نسل ها به درک شیوه های ارتباط نسل دیگر نرسند، ارتباط نسل ها با یکدیگر شکل نمی گیرد. نسل های قبلی باید نسل های جدید را فرصتی برای یادگیری بدانند نه به عنوان یک تهدید. نسل های مختلف باید سعی کنند یکدیگر را به عنوان افراد منحصر به فرد ببینند و با وجود تفاوت هایشان، با احترام با یکدیگر رفتار کنند. تفاوت های نسلی را نمی توان تغییر داد، اما اعضای نسل های مختلف می توانند سعی کنند یکدیگر را درک کنند و ارزش های یکدیگر را تأیید کنند. هر نسلی می تواند از دیگری بیاموزد. نسل های مختلف باید بپذیرند که هر نسلی نقاط قوت و ضعف ذاتی خود را دارد. درک، احترام و نگرش باز منجر به ارتباطات معناداری می شود که در آن نسل ها می توانند یکدیگر را برانگیزند و بهترین ها را در یکدیگر به نمایش بگذارند. در این مقاله علاوه بر تبیین تفاوت نسل ها و دیدگاه های آن ها، به برخی راهکارها و ملاحظات برای ارتباط نسل ها با شیوه ای مثبت نگر پرداخته شده است.

## منابع

- طیب، علیرضا و خادمیان راوندی، عباس (۱۳۷۷)، مردم را مقدم بدارید، چاپ اول، نشر نی
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۹)، ارتباطات انسانی، جلد اول، چاپ چهارم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- متولی، کاظم (۱۳۸۳)، روابط عمومی و تبلیغات همراه با مباحث جدید کاربردی، چاپ سوم، انتشارات بهجت
- Anderson, R. and Ross, V. *Questions of communication: A practical introduction to theory* (3rd Ed.). Boston, MA: Bedford/ St. Martins. 2006.
- Agheorghiesei, D. T. and Iorga, M. *Psychology of Generation Y and the Attitude Towards the Drugs Users at Workplace. The Need for Ethics Education*, 3rd World Conference on Psychology, Counselling and Guidance (WCPCG), Procedia - Social and Behavioral Sciences 84, 2013, 171 – 176
- Angelica, D. *Family Communication Patterns Theory and Its Relation to Interpersonal Relationships, Integrated Studies*. 2019, 227. <https://digitalcommons.murraystate.edu/bis437/227>
- Baysal Berkup, S. *Working with Generations X and Y in Generation Z Period: Management of Different Generations in Business Life*, Mediterranean Journal of Social Sciences 5(19), DOI:10.5901/mjss. 2014.v5n19p218
- Corgi. S. *Education and Interpersonal Relationships in Family*. [studycorgi.com/education-and-interpersonal-relationships-in-family/](http://studycorgi.com/education-and-interpersonal-relationships-in-family/). 2021
- Dance, F. E. X. and Larson, C. E. *Speech communication: Concepts and behavior*. NY: Holt, Rhinehart & Winston Inc. 1972
- Geher, G., Fritche, M., Goodwine, A., Lombard, J., Longo, K., & Montana, D. *An Introduction to Positive Evolutionary Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press. 2023
- Henderson, S. *The Social Network Support and Neurosis*. Br J Psychiatry 131:1971, 185-191.
- Karp, H., Fuller C. Sirias, D. *Bridging the Boomer Xer Gap: Creating Authentic Teams for High Performance at Work*. Palo Alto, CA: Davies-Black Pub, 2002
- Katz, R; Ogilive, S.; Shaw, J. and Woodhead, L. Gen Z, Explained: *The Art of Living in a Digital Age*, University of Chicago Press, ISBN-13: 978-0226791531, 2015, 280 pages
- Kavalci, K. *Research on the comparison of consumer decision-making styles and learning styles in terms of generations Y and Z* [Unpublished master's thesis] Atatürk University. 2015
- Kong F, Zhau Z. *Affective mediators of the relationship between Trait Emotional Intelligence and Life Satisfaction in young adults. Personality and Individual Differences* 54(2): 2013, 197-201.
- Mat Umul, C. and Guloglu, B. *Personality Traits, Interpersonal Conflict Resolution Strategies and Coping Skills Among X, Y, Z Generations*. Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal, 13(68), 2023 75-91. <https://doi.org/10.17066/tpdrrd.1211929c>

- Manning, J. (2020). *Interpersonal communication*. In D. L. Merskin (Ed.), *The SAGE international encyclopedia of mass media and society* (online, ed.; pp. 1-5). Thousand Oaks, CA: Sage.2020
- McKenna, Amy. *Generation X*. Encyclopedia Britannica, 1 Mar. 2024, <https://www.britannica.com/topic/Generation-X>. Accessed 3 March 2024.
- Mehta, B. *Gen Z In India and Its Characteristics*, International Journal of Creative Research Thoughts (IJCRT), Volume 9, Issue 5, ISSN: 2320-2882, 2021, 20 pages
- Miyagawa S, Ojima S, Berwick RC, Okanoya K. *The integration hypothesis of human language evolution and the nature of contemporary languages*. Front Psychol. 2014 Jun 9; 5:564. DOI: 10.3389/fpsyg.2014.00564. PMID: 24936195; PMCID: PMC4048833.
- Moscrip, A. N. *Generation Z's Positive and Negative Attributes and the Impact on Empathy After a Community-Based Learning Experience*, UNF Graduate Theses and Dissertations. 908. 2019, <https://digitalcommons.unf.edu/etd/908>
- Mukherjee I. *Enhancing Positive Emotions via Positive Interpersonal Communication: An Unexplored Avenue towards Well-Being of Mankind*. J Psychol Clin Psychiatry 7(4): 00448. DOI: 10.15406/jpcpy.2017.07.00448
- Prensky, M. *Digital natives, digital immigrants*: Part 1. On the Horizon, 9(5), 2001, 1–6.
- Panini, et al. Fiorini, R, et al. *Oral communication: short history and some rules*. Giornale Italiano di Nefrologia. 32 (2). PMID26005935, 2015
- Seligman, M. E. *Flourish: A Visionary New Understanding of Happiness and Wellbeing*. New York, NY: Simon and Schuster, 2012
- Stamp, Glenn. A *Qualitatively Constructed Interpersonal Communication Model: A Grounded Theory Analysis*. Human Communication Research 25: 1999, 431-547.
- Venter, L. *Bridging the communication gap between Generation Y and the Baby Boomer generation*, International Journal of Adolescence and Youth, 22:4, 2017, 497-507, DOI: 10.1080/02673843.2016.1267022
- Silva Gabriel, M. L. D., Silva, D. Amaral Moretti S. L. *The Y Generation Myth: Evidences Based on The Causality Relations among Age, Diffusion and Adoption of Technology of College Students of São Paulo State*, Future Studies Research Journal, ISSN 2175-5825, São Paulo, Vol: 6, No: 1, Jan./Jun- 2014, pp. 32-53.
- Slagsvold, B. and Hansen, T. (2021). *The Baby-boomer generation*, license CC BY-NC-ND 4.0, 2021, DOI:10.4324/9781003129592-12
- Strauss, W., & Howe, N. *Generations: The history of America's future*, 1584 to 2069. William Morrow and Company Inc. 1991
- Tarçalır, B. *What generation is Generation Y?* Retrieved from <http://www.arkabahcepsikoloji.com.tr/ipanel/article/ykusagi>.2015
- United States Census Bureau. *Census Will Help Policymakers Prepare for the Incoming Wave of Aging Boomers*, 2020, <http://www.census.gov/library/stories>
- Yıldızoğlu, H. *The relationship between five factor personality traits and conflict management style preferences of school administrators* [Unpublished master's thesis] Hacettepe University Institute of Social Sciences.2013
- Yüksekbilgili, Z., and Akduman, G. *Workaholism by Generation*. Adiyaman University Social Sciences Institute Journal (19),2015 415-440. <https://doi.org/10.14520/adyusbd.06168>
- Walmsley, A. L. E. *Closing the communication gap*. Educational Horizons, 90(1), 2011, 25–26.
- Walther, J. B. *Visual cues in computer-mediated communication: Sometimes less is more*. In A. Kappas & N. C. Kramer (Eds.), *Face-to-face communication over the internet* (pp. 17–38). New York, NY: Cambridge University Press.10.1017/CBO9780511977589, 2011
- Woodward, R. *The textualization of the Greek alphabet*. Cambridge University Press. ISBN 9781107731905. 2014



دهمین همایش ملی



تازه های روانشناسی مثبت



## The psychological-Social Approach of Communication Changes Between Generations, a Step Towards the Development of Positive Psychology

### Abstract

Communication is as old as life itself. From the moment a new life begins, the relationship of this new life with its immediate environment begins. Proper communication is very effective in the success of people at work and in society. The ability to communicate effectively often determines the level of competence and probability of success of a person. Generally, people in a period of time, based on the environment in which they were born and grew up, social, economic, cultural and psychological conditions, have similar relative behavioral characteristics. To define people and their characteristics, the term "generation" has been proposed. In this article, the characteristics of five Silent or Traditional Generations, Boomers, Generation X, Millennials or Generation Y and Generation Z are discussed. These generations live in interaction with each other and each has its own psychological and social characteristics. The characteristics of each generation show significant differences with the next generations. In order to bridge the gap between generations and motivate more positive communication, previous generations should see new generations as an opportunity to learn, not as a threat. Different generations should try to see each other as unique people and treat each other with respect despite their differences. In this meta-analytical article, in addition to explaining the differences in the characteristics of the five generations and their views, some strategies and considerations for the communication of the generations in a positive way have been discussed.

**Key Words:** Communication Between Generations, Generational Changes, Positive Psychology, Development